

به مناسبت میلاد امام مهدی (عجل...) تعالی فرجه الشریف)، جدول پخش شبکه فراتر دستخوش تغییرات ویژه‌ای شده است. از این پس، علاقه‌مندان به برنامه «کودک‌شو» می‌توانند ادامه فصل ششم این برنامه را در روزهای جمعه و سه‌شنبه ساعت ۱۸:۴۰ تماشا کرده و تکرار آن را روز بعد در ساعت ۱۷:۴۵ دنبال کنند.

با توجه به استقبال چشمگیر مخاطبان از برنامه «هزار و

### تغییرات ویژه جدول پخش شبکه فراتر

خورش در جلوی دوربین او زندگی کرده‌اند؟ همه این عزیزان در مقابل دوربین من زندگی کردند. من با اشک خانم خورش اشک ریختم و با غصه فریمه فرجامی غصه خوردم. من با آنها زندگی کردم و آنها نیز با من. هیچ حسرتی ندارم. یک پرونده مفصل کاری دارم که بهترین‌ها و بزرگ‌ترین‌ها در آن حضور دارند و بسیاری باید سال‌ها تلاش کنند تا به نقطه‌ای که من ایستاده‌ام، برسند.

**[۱] با وجود تمام دستاوردهای تان، انسان به پویایی زنده است. برای پله بعدی مسیرتان چه برنامه‌ای در نظر دارید؟**

خواسته انسان برای رسیدن به پله بعدی، هیچ‌وقت تمامی ندارد. حتی در نبود آدم، به هر حال پایان زندگی مرگ است اما مرگی خوب، که یعنی در اوج رفتن. آن‌طور که بگویند حیف دیروز با هم گفت وگویی کردم. تا این‌که بگویند خوب شد رفت. خودش و اطرافیانش راحت شدند. چنین مرگی را نمی‌پسندم. آرزو می‌کنم برای خودم بگویند حیف دیروز یا ما مصاحبه کرده بود، امروز... بعد هم دوست دارم ایستاده بمیرم. یعنی بمیرم و بیفتم؛ می‌گویند یارو افتاد و مرد. می‌خواهم برای من بگویند مرد و افتاد. این را قشنگ تر می‌بینم.

**[۲] پاسخ‌تان غافلگیر کرد. آیا برنامه‌ای هم برای انتقال تجربه‌های تان دارید؟**

دو دانشگاه رایشت سر گذاشته‌ام؛ کارگردانی تلویزیون را در دانشکده تلویزیون و کارگردانی سینما را در دانشکده هنرهای دراماتیک آموختم.م. فضای اغلب دانشکده هنرهای دراماتیک، فضای تئاتر بود و من از آنجا به تئاتر جذب شدم. ۲۰ سال و اندی زمان برای تبدیل شدن به یک حرفه‌ای، الگو شدن و کار کردن در این حوزه، زمان کمی نیست. با این‌که هنوز هم پیشنهادهایی برای کار دارم اما نمی‌پذیرم و می‌گویم که جا را برای جوان‌ترها خالی کرده‌ام. به شدت از کسانی که کار را راه نمی‌کنند، بدم می‌آید. من دیگر انرژی جوانی را ندارم که بتوانم از ساعات اولیه صبح تا پاسی از شب کار کنم. می‌خواهم از این به بعد هم سر پا بایستم و نمی‌خواهم خودم را از بین ببرم. هر سنی کشش خاص خود را دارد. و همان‌طور که گفته‌ام، فکر فرار است چه کاری انجام دهم که بهتر از «ماه پنهان است» بشود؟ خانم‌ها چیمله شیخی و فهمیمه راکستار و آقای رضا بایک در این اثر حضور داشته‌اند. این عزیزان دیگر در میان ما نیستند. البته نه حرف من به معنای انکار هنر جوانان امروزی نیست. دوست دارم جوان‌ها کار کنند و من به‌عنوان تماشاچی حضور داشته باشم. اگر از من نظری خواستند، در آن زمان وارد می‌شوم، البته به‌شرطی که به‌حرفم

گوش دهند و فکر نکنند چون پیر شده‌ام، دیگر نظری ندارم، هر چند اصلا احساس پیری نمی‌کنم. مرتب در سالن‌های تئاتر حضور دارم و آنها را تأیید می‌کنم. جوانان در سینما و تئاتر، چهل چرخ‌ر را برای نسل خود و آینده روشن نگه می‌دارند. اکنون وقت کار جوان‌هاست و زمان کار ما به پایان رسیده است. ما موفقیت‌های مان را به دست آوردیم و حالا وقت آن است که بنشینیم و جوان‌ها را تماشا کنیم، برای موفقیت‌شان دست بزنیم و در نهایت تجربه‌مان را منتقل کنیم. هم‌سن‌های من باید سراغ کارهایی بروند که از جوان‌ها بهتر انجام می‌دهند. من اکنون در صحبت کردن بهتر از کارگردانی هستم. بنابراین در برنامه‌های تلویزیونی، رادیویی یا مجلات گفت‌وگو می‌کنم. البته حرف‌های عبت نمی‌زنم و از خاطراتم می‌گویم. اگر چیزی بلد باشم، از طریق گفت‌وگو به دیگران منتقل می‌کنم.

**[۳] از آنجا که گفتید بافت و گفتگو انتقال تجربه می‌کنید، بیاید بیارمون جغرافیای زادگدان‌تان صحبت کنیم و مسعود فروتن برای‌مان از طبیعت و محیط‌زیست شمل بگوید.**

صحبت کردن درباره طبیعت شمال دیگر دیر شده و شمال به هدر رفته است. وقتی اجازه می‌دهند زمین‌های مزروعی تبدیل به ویولا سوسپ خیابان بندی و آسفالت کشور آنجا می‌شوند و حاضرند هشت ساعت در جاده بایستند تا نمی‌ماند. باران که می‌بارد، جایی برای نفوذ آب وجود ندارد و سیل به وجود می‌آید. چرا در سال‌های اخیر

در شمال سیل می‌آید؟ در سال‌های گذشته، زمین‌ها خاکی بود. آب به زمین نفوذ می‌کرد و چشمه‌ها سربر می‌آورد اما در این سال‌ها، بسیاری از مردم زمین‌های‌شان را فروخته‌اند؛ ماشین خریدند، به شهر آمدند و با همان ماشین مسافرکنی می‌کنند. سپس در تعطیلات، به سمت جاده هراز سرازیر می‌شوند و حاضرند هشت ساعت در جاده بایستند تا سه ساعت به شمال بروند اما حاضر نیستند سر ماشین را کج کنند و به استان‌های دیگر بروند و چهارمحال بختیاری یا کبک‌گیلویه و بویراحمد را ببینند. این استان‌ها طبیعت‌های بکری دارند زیر هنوز آدم‌های توکس به آنجا هجوم نیاورده‌اند و ویلا نمی‌سازند. نقشه راه ساخت‌وساز در طبیعت باید تغییر کند. اسانداران، شهرداران و جاده‌داران باید نقشه‌ای داشته باشند که هر کسی حق نداشته باشد بالای گردنه حیران ویلا بسازد تا آن‌ا بالا بتواند شهر را تماشا کند. چه کسی چنین اجازه‌ای داده است؟ چرا اجازه دادن زمین‌های برنج شمال تبدیل به ویلا شود؟ سپس با هر تعطیلی، هجوم می‌آورند و مصرف آب، برق و نان

یک»، این برنامه به‌صورت سه قسمت در روزهای شنبه تا دوشنبه ساعت ۱۹:۳۰ پخش خواهد شد و تکرار آن روز بعد در ساعت ۱۷:۴۵ ارائه می‌شود.

همچنین فصل دوم مجموعه تلویزیونی «برمودا» در روزهای جمعه و سه‌شنبه ساعت ۲۲:۴۰ روی آنتن می‌رود و تکرار آن روز بعد در ساعت ۱۵:۰۰ خواهد بود.

در این تغییرات، سریال خارجی «دشمن ناشناخته» جایگزین

سریال «دهبایر» شده و با پایان یافتن مجموعه‌های مستند «فرمول یک»، «رانندگی برای بقا» و «سیاره ما»، دو مجموعه مستند جدید «این است فوتبال» و «سیاره ماقبل تاریخ» به جدول پخش اضافه شده‌اند. همچنین پخش اصلی فیلم‌های سینمایی آخر هفته به ساعت ۱۴:۰۰ روزهای پنجشنبه و جمعه تغییر یافته و تکرار آنها نیز در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ساعت ۲۱:۲۰ خواهد بود.



در کوچه پس‌کوچه‌های قدیمی یزد راه می‌روم و حتی در تابستان، هر زمان که فرصتی دست بدهد، به یزد و کرمان می‌روم. من درخت‌های شمال را به تهرانی‌ها سپردم. در حال حاضر، یزد و کاشان و خانه‌های بوم‌گردی دیدنی‌تر از هر جای دیگری است. فضای این شهرها به فضای ذهنی ما نزدیک است. هر زمان که بخواهیم فیلم قدیمی بسازیم، به این خانه‌ها می‌رویم. این خانه‌ها فقط بکر نیست بلکه تاریخی است و به یادآورنده فضای ذهنی مادر دوران کودکی‌مان است؛ زمانی‌که همه مادر یک اتاق زندگی می‌کردیم و یک جا غذا می‌خوردیم و می‌خوابیدیم. حالا هر کس برای خودش اتاق دارد و در آنجا با تلفن خود مشغول است. از هم دور شده‌ایم و به تلفن پناه برده‌ایم.

**[۴] حرف از خاطرات و خانه‌های قدیمی‌ شما، ذهنم رفت سمت نسبت شما با آقای امیرعلی نویبان. آیا درست است که ایشان خواهرزاده شما هستند؟**

نسبت امیرعلی نویبان با من به این نزدیکی نیست اما با من فامیل است. از بچگی به من می‌گفتند دایی مسعود، زیرا از طرف مادرشان با او نسبت دارم. در شمال، همه آقایانی که از سمت مادر نسبت داشته باشند، دایی خطاب می‌شوند. و آقایانی که از سمت پدر قوم و خویش هستند، عمو نامیده می‌شوند. مادر بزرگ امیرعلی، دخترعموی مادر من است و ما در یک محله در آمل بزرگ شدیم. از کودکی من را دایی خطاب می‌کردند و این رسم ادامه پیدا کرد. زمانی‌که امیرعلی برای کار به تهران آمد و چون به من می‌گفت دایی، همه جا به این شکل صحبت شد که من دایی او هستم. من هم خیلی افتخار می‌کنم که چنین خواهرزاده‌ای دارم. امیرعلی بسیار باهوش است، جزو نفرات اول دانشگاه مازندران بوده و مهندسی برق خوانده است. بعد از آن به تهران

رسانه

MEDIA

شنبه ۲۷ بهمن ۱۴۰۳ ۶۹۸۲ شماره

آمده و در موسسه کارنامه دوره دیده، البته در آنجا هم امتیاز بالایی کسب کرده و سریعاً مورد توجه قرار گرفته است. او انسانی باهوش، اهل مطالعه و زیرک است. خوشحالم که چنین خواهرزاده‌ای دارم، هر چند وجود او نفی خواهرزاده‌های دیگر نخواهد بود.

**[۵] در کارنامه حرفه‌ای معروفید به استعدادبایی. شرایط حال حاضر دنیای بازیگری را چگونه می‌بینید و آیا در این میان همچنان با استعداد‌های درخشان‌ی در بازیگری مواجه خواهیم بود؟**

استعداد وجود دارد. کافی است یک سر بروید سالن‌های تئاتر. چه جوان‌های با استعداد و چه تئاترهای خوبی خواهید دید. این جوان‌ها چنان مستعدند که می‌توانند در اتاق ۱۲ متری هم تئاتر اجرا کنند و این کار را هم انجام می‌دهند. استعدادبایی در حالی است که کارگردانان باید بروند در این سالن‌ها و این جوانان مستعد را کشف کنند. جوان‌ها بارها شده که به من بگویند دوست دارند بتوانند در کارهای تلویزیونی دیده شوند. من، نه کارگردان سینما هستم و نه کارگردان سریال‌ساز

تلویزیون و نه برنامه خاصی در دست دارم. ولی معتقدم کارگردانی که می‌خواهند کار سریال انجام دهند، از بین جوانانی که اول مسیر بازیگری هستند، بازیگران‌شان را انتخاب کنند. این سرزمین پر است از استعداد. خیلی هم لازم نیست دستمزد‌ها را بالا ببرند. دستمزد‌ها را کسانی بالا می‌برند که نمی‌خواهند جایگاه‌شان را از دست بدهند. و از آن طرف همین افراد، حتی تن به کار تبلیغات هم می‌دهند که دیده شوند. شاید دست‌اندرکاران فکر می‌کنند اگر از چهره‌ها در این سریال‌ها استفاده کنند، حاصل اقتصادی بهتری خواهند داشت. نه! باید استعداد‌ها را پیدا کنند. آدمی مثل من که کار می‌کند با یک نگاه می‌تواند بفهمد چه کسی استعداد دارد.

برای تست گرفتن از یک بازیگر لازم نیست بگوییم حتی یک صحنه اتللو بازی کند. از نشستن، حرف زدن و خندیدن افراد می‌شود فهمید زمینه بازی را دارد و می‌شود این استعداد را پرورش داد.



#### برش

### حال و هوای نوشتن

مسعود فروتن لاریجانی، نویسنده و کارگردان برجسته ایرانی، با بیش از چهار دهه تجربه در عرصه سینما و تلویزیون، در آثار خود به روایت زندگی و دغدغه‌های انسانی پرداخته است. وی که زاده ۲ اسفند ۱۳۲۴ در آمل است، به عنوان یکی از اولین فارغ‌التحصیلان کارگردانی تلویزیون، در آثارش از تجربیات شخصی و اجتماعی بهره می‌برد. کتاب‌هایش، از جمله «از سر دلنگی»، «کوچه باغ دلنگی»، «اتمام»، «صندوقچه»، «یک مرد، یک شب» و «بانونی زیبایی من»، نگاهی عمیق به روابط انسانی و چالش‌های زندگی معاصر دارند و نشان دهنده توانایی او در ترکیب داستان‌گویی با مضامین اجتماعی است. فروتن، با تأثیر به‌ترویج فرهنگ و هنر در جامعه ایرانی کمک کرده و همچنان در تلاش است تا نسل‌های جدید را با ارزش‌های انسانی و فرهنگی آشنا کند.

#### از سر دلنگی

این مجموعه مشتمل بر چهار داستان کوتاه است که یکی از آنها «معلم ادبیات مدرسه دخترانه» نام دارد. در این داستان راوی مرد جوانی است که برای تماس با دخترش در آمریکا، به مخابرات می‌رود. در آنجا بازن میانسالی برخورد می‌کند و طی صحبت با او درمی‌یابد که معلم ادبیات است. راوی با دیدن او، گذشته‌اش را به یاد می‌آورد. زمانی که او ۱۱ سال بیشتر نداشت و به معلم ادبیات خواهرش که زنی زیبا بود، دل‌خاک اما والدینش با همکاری کارمندان مدرسه، حکم انتقالی معلم جوان را گرفتند و او بدون خداحافظی شهر را ترک کرد و...

#### عزیزجون

کتاب عزیزجون درباره زندگی زنی است که سعی داشت با امکانات محدود در زندگی بسازد و مستقل شود. این داستان بخشی از زندگی واقعی مسعود فروتن، نویسنده آن است. مادر فروتن دوساله بود که مادرش را از دست داد. دایه‌ای که فرزندی

دوساله داشت، برای نگهداری از مادر او از روستا آمد.

این دو کودک با هم بزرگ شدند. زمانی که دوران دایگی تمام شد، مادر و کودک باید از خانه می‌رفتند. در نتیجه مادر نویسنده و سلیمه خانم (عزیزجون) یکدیگر را در شهر کوچک آمل می‌دیدند.

سلیمه خانم، کودک باهوشی بود و سواد نوشتن و حساب را از مادر نویسنده وقتی از مدرسه بازمی‌گشت، آموخت. این دو هر کاری یاد می‌گرفتند به هم یاد می‌دادند تا زمانی که ازدواج کردند و به دلیل نوع زندگی از هم دور شدند اما از هم خبر داشتند. وقتی فرزندان مادر نویسنده به دنیا آمدند، از آمل به دماوند رفتند.

عزیزجون هروقت دلنگی می‌شد، به دماوند می‌رفت.

عزیزجون شخصیتی خاص، محکم و تصمیم‌گیرنده بود. او دوزار به راننده اتوبوس می‌داد و تاته خط می‌رفت؛ آن زمان هنوز ولایت وجود نداشت. دوزار هم می‌داد و باز می‌گشت؛ با این روش خیابان‌های شهر را می‌دید و آنها را در خاطر می‌سپارد. همه مسیرهای اتوبوس و خیابان‌های تهران را با این روش یاد گرفت.

#### ناتمام

کتاب ناتمام، رمانی درباره دغدغه‌های اجتماعی و خانوادگی یک زوج هنرمند است که توسط مسعود فروتن، کارگردان و نویسنده ایرانی به رشته تحریر درآمده است. داستان از سال‌های نخستین دهه ۵۰ اتفاق می‌افتد. موضوع اصلی رمان ناتمام دغدغه شهرت است و این‌که این مسأله چه تبعاتی در زندگی فردی و اجتماعی آدم‌های روزگار ما خواهد داشت.

#### یک مرد یک شب

عزت، محرم اسرار زندگی من است. کاش اگر دچار مرگ نابه‌هنگام شدم، به عزت اطلاع بدهند که بیاید سروتقم. او می‌داند شناسنامه‌ام توی صندوقچه آهنی کوچکی است که از بازار اصفهان خریدم و توی همین صندوق، همیشه مقداری پول است که برای این جور مواقع کنار گذاشته‌ام...

### بخشی از کتاب بانوی زیبای من

آیا همه افراد جامعه یک لحن و واژگان را در گفت‌وگوهای روزمره خود به کار می‌برند؟ طرز بیان و لغاتی که در مکالمات

استفاده می‌شود تا چه حد نشان‌دهنده طبقه اجتماعی و شان و جایگاه فرد در جامعه است؟ در کشور انگلیس و در عصری که ماجرا در آن اتفاق می‌افتد، طرز سخن گفتن مردم نشانه‌ای از اختلافات طبقاتی جامعه بوده و به عبارت دیگر این نحوه گفت‌وگوها بوده که یک شخص را در ردیف طبقه فریخته‌یا طبقه فردست جامعه قرار می‌داده‌است.

### طنز در خدمت نقد اپوزیسیون

برنامه تلویزیونی «آپوزیشن» با رویکردی متفاوت و جاشنی طنز، به بررسی تناقضات و دروغ‌های اپوزیسیون جمهوری اسلامی می‌پردازد. مصطفی صاحبی، کارگردان و تهیه‌کننده این برنامه، هدف اصلی را سرگرم کردن مخاطب و ایجاد خنده عنوان کرد و افزود که در کنار این هدف، تلاش دارند نقاط ضعف و تناقضات خنده‌دار اپوزیسیون را به تصویر بکشند. وی درباره همکاری با مدرسه سینمایی اندیشه و هنر ماه توضیح داد که این مدرسه حامی اصلی تولید برنامه است و بدون حمایت آنها، این اثر تولید نمی‌شد. صاحبی همچنین به چالش‌های تولید اشاره کرد و گفت که زمان و پیدا کردن بازیگران مناسب از جمله مشکلات اصلی بود. او با اشاره به ایده‌هایی برای فصل‌های آینده، ابراز امیدواری کرد که آپوزیشن به نقد موضوعات دیگری نیز پرداخته و آنها را با رویکرد طنز به چالش بکشد. این برنامه تلاش می‌کند تا همزمان سرگرمی و تفکر را برای بینندگان خود فراهم آورد.

### انتشار یک سریال بدون مجوز ساترا

یک مجموعه نمایش خانگی اخیراً نتوانست تأیید فیلمانامه و مجوز تولید از سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر (ساترا) را دریافت کند، به‌رغم برگزاری جلسات کارشناسی و بررسی‌اشکالات مضمونی. این عدم تأیید به‌دلیل محتوای نامناسب و عدم رعایت اصول اخلاقی و فرهنگی بوده است. پس از تولید غیرقانونی، نسخه ارائه‌شده به ساترا شامل تخلفاتی نظیر بی‌حجابی، ترویج دخانیت، قص مختلط و ترویج شراب‌خواری بود که به‌صورت نامه‌تذکر و عدم مجوز انتشار منجر شد. با این حال، این مجموعه بدون اصلاحات لازم منتشر شد و به پخش خود ادامه داد. این مجموعه به‌دلیل عدم اصلاح ایرادات، هنوز موفق به دریافت مجوز انتشار نشده و رسیدگی به تخلفات عوامل تولید و سکوی انتشاردهنده در حال پیگیری است.

این وضعیت نگرانی‌های جدی را درخصوص رعایت قوانین و مقررات رسانه‌ای به‌وجود آورده و ممکن است تبعات قانونی برای تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان این اثر به همراه داشته باشد. کارشناسان بر این باورند که عدم توجه به نظارت‌های قانونی می‌تواند به تضعیف اعتبار و اعتماد عمومی به رسانه‌ها منجر شود.



### بررسی مستندها در «نردبان»

برنامه تلویزیونی «نردبان» در دوپست‌وسومین قسمت خود که جمعه ۲۶ بهمن روی آنتن شبکه مستند سینما رفت، میزبان مینا قاسمی‌زواره، فیلمساز مستند، بود. در این قسمت، قاسمی‌زواره درباره فعالیت‌های خود در عرصه فیلمسازی مستند و آثارش، از جمله «سمفونی امنیت» و «در گرو عشق»، صحبت کرد. این برنامه همچنین به بررسی فیلم‌های مستند «جیرو رویای سوشی می‌بیند» به کارگردانی دیوید گلب و «۲۴۳» به کارگردانی آصف کابادیا پرداخت. علاوه بر این، آریان عطا‌زیور درباره فیلم مستند «سیر» ساخته لیس بلانک صحبت کرد.

برنامه نردبان با نگاهی تخصصی به فیلم و عکس مستند، هر جمعه ساعت ۱۸:۴۰ پخش می‌شود و بازیکن‌اش آن شنبه‌ها در ساعت‌های ۲۱ و ۱۴:۳۰ انجام می‌گیرد، که به مرور آثار ایرانی و خارجی این حوزه می‌پردازد.

این برنامه به‌عنوان یک منبع معتبر برای علاقه‌مندان به مستند، تلاش می‌کند تا با ارائه تحلیل‌های عمیق و گفت‌وگوهای تخصصی، بینش بهتری از دنیای مستند ارائه دهد.



#### پنجره



مدرسه سینمایی اندیشه و هنر ماه زمستان ۱۴۰۳